

آلبرت پودل عزمش را جزم کرد و تصمیم گرفت رکورد طولانی ترین سفر دور دنیا را با ماشین بزند

دور دنیا در ۵۰ سال

نویسنده: آلبرت پودل

مترجم: مریم نیک پور
maryanikpour@gmail.com



۷۹

در جست و جوی رویاهای خطرناک

خلاصه قسمت قبل:

پودل جهانگرد، جوانی آمریکایی را در نائور و دید که بیشتر قرار و مدارها و توافقات زیر سر او بود اما هر چه کرد نتوانست زبان آن جوان را باز کند و از اسرار کارش سر در بیاورد. برخی از مسئولان نائور و از موفقیت‌های کشور و مردمش حرف‌های عجیبی می‌زدند که با واقعیت و آمار واقعی تفاوت‌های محسوسه داشت و پودل نمی‌دانست حرف مسئولان را باور کند یا فراز و فرود غیر قابل انکار این کشور را. او برای آخرین بار به کشور رویاهایش استرالیا سفر کرد و در بریسان که یکی از شهرهای بزرگ این کشور است، برای همیشه با استرالیا خداحافظی کرد. بعد از آن برای ادامه سفرش مردّد ماند زیرا مقصد ناامن و نتیجه سفر نامعلوم بود. پودل برای رفتن به مناطقی مثل یمن، سومالی و سودان جنوبی تردید داشت و نمی‌دانست چه تصمیمی بگیرد...

تردیدها همچنان ادامه داشت

کمی منتظر ماندم تا هم اوضاع آرام شود و هم دوستانم جیمز در تصمیم خود تجدید نظر کنند اما این اتفاق نیفتاد و من مجبور شدم تنهایی ادامه بدهم. جیمز آنقدر در تصمیمش جدی بود که فهمیدم اصرار هیچ فایده‌ای ندارد. قبل از هر کاری باید حساسی تمام جوانب کار را می‌سنجیدم و بیگدار به دل خطر نمی‌زدم. آیا مقصد بعدی ام می‌توانست سودان جنوبی باشد؟ با کمی جست و جود خبرهای خیلی زود پاسخ‌دهنده را گرفتم. سودان جنوبی از این‌ها هم خطرناکتر بود. امیدوار بودم به دست آوردن استقلال در جولای ۲۰۱۱ به اختلافات این سرزمین تازه مستقل شده پایان داده باشد ولی گویی این هم آرزوی محال بود. در عوض

خوشونت در مناطق مرزی که از نظر منابع معدنی غنی بودند، شدت گرفته بود. صدها نفر کشته شده بودند و در ست سه ماه پس از استقلال روستاهای زیادی به خاک سیاه نشستند. در بخش‌های دیگر نیز بیش از ۲۴۰۰ نفر کشته و ۳۰۰۰ نفر زخمی شده بودند. در جریان این درگیریها، ۲۶ هزار چهارپا روده شدند. باید به این نکته هم اشاره کنم که در سودان جنوبی، داشتن چهارپایکی از دلایل اصلی و مهم ناامنی است و

می‌توانستم همین جا توقف کنم. ۱۸۷ کشور را گشته بودم و می‌توانستم به خانه برگردم و در آپارتمان گرم و نرم استراحت کنم.

صاحب حیوان بیچاره مدام باید نگران جان خودش، خانواده‌اش و حیوانش باشد. به عنوان مثال گاو در این کشور نماد مایه داری است. هر کس که گاو دار دیعی نباشد و تمند است و از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خوبی برخوردار است. بنابراین باید چهارچشمی مراقب باشد بلایی سرش نیاید تازه اگر به هزار و یک بهانه ریز و درشت دیگر حیوان را از چنگش در نیاورد زیرا از این حیوان در سودان جنوبی به عنوان خون بها، غرامت و مهر به هم استفاده می‌شود. این از سودان. حالمانده بود یمن... اما یمن هم برای خودش مشکلاتی داشت که می‌توانست سفر را دشوار و خطرناک کند. بسیاری از شهرهای شمالی و جنوبی آن درگیر مساله بهار عربی بود که از سال گذشته یعنی ۲۰۱۰ در کشورهای عرب نشین شمال آفریقا و جنوب غربی آسیا آغاز شده بود. در یمن هم این اعتراضات از همان سالی که من تصمیم داشتم به این کشور سفر کنم یعنی ۲۰۱۱ و همزمان با ماه ژانویه آغاز شده بود. معترضان ابتدا برای مخالفت با طرح‌های دولتی تظاهرات کردند. آنها به خیابانها ریخته بودند تا علیه بیکاری، فساد و شرایط نامساعد اقتصادی اعتراض کنند اما کمی بعد درخواست اصلی خود را مطرح کردند: برکنار کردن رئیس جمهور وقت علی عبدالله صالح... رئیس جمهور قول داد به اوضاع سر و سامان بدهد و برای مشارکت سیاسی بیشتر مردم کشورش تدابیری بیندیشد همچنین در قانون اساسی تغییراتی ایجاد کند. اما مردم آرام نمی‌نشستند و یمن هر روز شاهد درگیری و تظاهرات بود. از طرفی گروه‌های تکفیری القاعده بیشترین نابسامانی‌ها و اغتشاش‌ها را ایجاد کرد و بود تا تسلط خود را به جنوب یمن محکمتر کند. بنابراین هیچ عاقلانه نبود که به چنین جایی سفر کنم.

اوضاع وخیم

کنیا نسبت به همسایه‌های اطرافش توسعه یافته بود اما بعد از گذشت دو سال از بزرگترین درگیری قبیله‌ای به خاطر انتخابات این کشور، چند هفته قبل از زمانی که برنامه ریزی کرده بودم به صحنه درگیری تبدیل شده بود و نیروهای خود



بچه‌ها در همه جای دنیا شادی را شکلی دیگر فریاد می‌زنند



در این سرزمین صاحب حیوان بیچاره باید مدام مواظب حیوانش باشد